

دکتر جیمز اس. اشپیگل، اخلاق مسیحی، جلسه ۱

مقدمه

جیم اشپیگل و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر جیمز اس. اشپیگل هستم در تدریس اخلاق مسیحی. این جلسه اول، مقدمه است.

سلام، من جیم اشپیگل هستم. من استاد فلسفه و دین هستم و قرار است چند سخنرانی در مورد اخلاق مسیحی ارائه دهم. من بیش از سه دهه فلسفه تدریس کرده‌ام و 27 سال در دانشگاه تیلور تدریس کرده‌ام. اکنون در مدرسه الهیات ایندیاناپولیس تدریس می‌کنم.

علاقه پژوهشی و علمی من عمدتاً در حوزه‌های فلسفه دین و اخلاق قرار دارد، اما در زمینه‌های زیبایی‌شناسی، تاریخ فلسفه، فلسفه ذهن و برخی حوزه‌های دیگر نیز فعالیت دارم. بنابراین، ما قصد داریم در مورد اخلاق مسیحی و چگونگی تفکر در مورد مسائل اخلاقی از دیدگاه مسیحی که توسط نظریه‌های مهم فلسفی مرتبط با اخلاق نیز الهام گرفته شده است، صحبت کنیم. اخلاق به چگونگی زندگی ما مربوط می‌شود.

این یک حوزه مطالعاتی تجویزی است که می‌پرسد چه باید باشد، نه فقط چه هست. تعدادی از رشته‌ها مانند تاریخ و علوم، آنچه را که هست مطالعه می‌کنند. اینها حوزه‌های مطالعاتی توصیفی هستند.

اخلاق یک حوزه هنجاری است که به این موضوع می‌پردازد که امور چگونه باید باشند، چگونه باید زندگی کنیم و در زمینه‌های مختلف چه انتخاب‌هایی باید انجام دهیم. اخلاق همچنین به مسائلی می‌پردازد که برای همه، صرفاً به دلیل انسان بودن، مهم هستند. تعدادی از حوزه‌های دیگر، مسائلی را بررسی می‌کنند که ممکن است برای همه جالب یا مهم باشند یا نباشند.

اگر مثلاً مهندسی برق یا ورزش بخوانید، بسیاری از مردم به این موضوعات علاقه‌مند هستند و آنها مهم هستند، اما می‌توانید بدون دخالت مستقیم زیاد یا اصلاً دخالتی در مهندسی برق یا ورزش نداشته باشید، زندگی پررونقی داشته باشید. اخلاق اینگونه نیست. ما به عنوان انسان، فراخوانده شده‌ایم که به شیوه‌ای خاص زندگی کنیم، مسئولیت‌پذیر باشیم، وظایف خود را انجام دهیم، به حقوق مردم احترام بگذاریم و عادلانه رفتار کنیم.

هر کار دیگری که انجام می‌دهید، باید نگران مسائل اخلاقی و زندگی اخلاقی باشید. بنابراین، در مطالعه‌ی اینکه چگونه باید زندگی کنیم، باید به مفاهیم نظری خاصی مانند برخی از مواردی که نام بردم، توجه کنیم. تعهد، به چه معناست؟ داشتن حق برای کسی به چه معناست؟ عدالت چیست؟ انصاف چیست؟ فضیلت چیست؟ اینها همه مفاهیم نظری هستند و ما باید قبل از اینکه به سراغ مسائل عملی برویم، برخی از این موارد را روشن کنیم و به صراحت در مورد آنها فکر کنیم.

مسائل عملی خاصی وجود دارند که از بقیه مبرم‌ترند، و ما در مورد برخی از مسائل بحث‌برانگیزتر و تفرقه‌انگیزتر زمانه خود که چه در زندگی شخصی، چه در عرصه عمومی یا هر دو با آنها مواجه هستیم صحبت خواهیم کرد. مسائلی مانند سقط جنین، اتانازی، جنگ، قانونی شدن مواد مخدر، اخلاق جنسی و غیره. بنابراین، اجازه دهید چند نکته در مورد سنت‌های اخلاقی مختلف در تاریخ فلسفه و الهیات بگویم.

این به ما کمک می‌کند تا دیدگاه‌های اخلاقی مختلفی را که به تفصیل در مورد آنها صحبت خواهیم کرد، به نوعی دسته‌بندی کنیم یا شروع به دسته‌بندی آنها کنیم. رویکرد وظیفه‌گرا به اخلاق بر وظیفه تأکید دارد. این معمولاً در درجه اول مربوط به قوانین است.

ما درباره اخلاق کانت و چیزی که او آن را امر مطلق در نظریه فرمان الهی و سنت الهیاتی مسیحی می‌نامد صحبت خواهیم کرد. در اینجا به فرامین الهی، مثلاً قاعده طلایی، ده فرمان، ده فرمان و همچنین فرامین خاص توجه می‌شود. اینها بیشتر دغدغه‌های وظیفه‌شناختی هستند.

سپس، اخلاق غایت‌گرایانه و ابعاد اخلاقی را داریم که در مورد آنها نیز صحبت خواهیم کرد. اخلاق غایت‌گرایانه بر اهداف یا مقاصد تأکید دارد و سنت اخلاق فایده‌گرایانه غایت‌گرایانه‌تر است، همانطور که اخلاق فضیلت‌گرایانه بر غایت انسانی و معنای تحقق طرح طراحی انسان از نظر ویژگی‌های شخصیتی مختلفی که باید توسعه دهیم، تمرکز دارد. و سپس تعدادی رویکرد ترکیبی، رویکردهای ترکیبی، مانند اخلاق قرارداد اجتماعی، داریم که عناصر وظیفه‌گرایی و همچنین غایت‌گرایی و اخلاق قانون طبیعی را با هم ترکیب می‌کند، که یک سنت مهم در تاریخ اخلاق مسیحی است.

صحبت از مسیحیان و اخلاق شد، چرا مسیحیان باید اخلاق را مطالعه کنند؟ این در واقع سوالی است که پاسخ آن بسیار آسان است و پاسخ این است که زندگی مسیحی اساساً در مورد اخلاق، زندگی درست در برابر خدا است و این یک دغدغه اخلاقی یا معنوی است. در کتاب مقدس تأکید زیادی بر زندگی درست شده است، همانطور که نمونه کوچکی از آیاتی که به این موضوع می‌پردازند. امثال ۹:۱۵ می‌گوید که راه شیرین نزد خداوند منفور است، اما او کسی را که در پی عدالت است دوست دارد.

در میکاه ۸:۶ به ما گفته شده است که ای انسان فانی، او به تو نشان داده است که چه چیزی نیکوست، و خداوند از تو چه می‌خواهد؟ اینکه عادلانه عمل کنی، رحمت را دوست داشته باشی، و با فروتنی با خدای خود رفتار کنی. بنابراین، عدالت، رحمت و فروتنی، فضایل یا ارزش‌های اخلاقی هستند که ما نه تنها در اینجا، بلکه در بسیاری از جاهای دیگر کتاب مقدس، به رعایت آنها فراخوانده شده‌ایم، و اینها ویژگی‌های اخلاقی هستند سوم اینکه، چشمان خداوند بر صالحان است و گوش‌های او برای دعای آنها باز است، اما روی خداوند بر ضد کسانی است که مرتکب شرارت می‌شوند.

پطرس در اول پطرس ۳ می‌گوید، و باز هم، صدها متن دیگر وجود دارد که ما را به زندگی درست، زندگی درستکارانه، عادل بودن و زندگی به شیوه‌ای که از نظر اخلاقی خدا را تکریم می‌کند، تشویق می‌کند. بنابراین، من به تعدادی از متون کتاب مقدس اشاره کردم که بر عدالت و درستکاری تأکید دارند. حال می‌توانیم بررسی کنیم، عدالت چیست؟ درستکاری چیست؟ و این ما را مستقیماً به چیزی به نام فرااخلاق می‌برد، جایی که ما در حال تجزیه و تحلیل مفاهیم و اصطلاحات اخلاقی خاصی هستیم.

عمل عادلانه و درستکارانه در مورد مسائلی مانند سقط جنین، اتانازی، جنگ، مجازات اعدام و رفتار با حیوانات به چه معناست؟ و همه اینها مسائلی هستند که ما به آنها خواهیم پرداخت. باز هم، اینها مسائلی هستند که ما با آنها روبرو هستیم، حداقل به معنای عمومی، در یک جامعه مدنی که انواع مشکلات در چارچوب این مسائل، و همچنین به صورت شخصی، وجود دارد. ممکن است خودمان را در حال دست و پنجه نرم کردن با برخی از این مسائل به صورت شخصی‌تر ببینیم.

بنابراین، رویکردی که ما در مطالعه اخلاق و روش‌شناسی در پیش خواهیم گرفت، این است. اخلاق مسیحی چگونه باید انجام شود؟ این در واقع یکی از مسائلی است که توسط اخلاق‌دانان مسیحی مورد بحث قرار گرفته است. یک اخلاق‌دان مسیحی تا چه حد باید هنگام انجام تحلیل اخلاقی مسائل مختلف، از نظریه‌ها و اصول فلسفی مشورت، استفاده و آنها را به کار گیرد؟ رویکردی که من در پیش خواهم گرفت، که رویکرد هر محقق اخلاق یا اخلاق‌دان مسیحی است که من می‌شناسم، این است که ما نظریه‌پردازی فلسفی خود را با پژوهش‌های الهیاتی خود ادغام خواهیم کرد.

و من فکر می‌کنم این نوع ادغام فلسفه و الهیات بسیار مهم و حتی اجتناب‌ناپذیر است. ما، همانطور که همه ما انجام می‌دهیم، هنگام برخورد با متون مقدس و همچنین هنگام برخورد با بقیه زندگی، فرضیات فلسفی را مطرح می‌کنیم. بنابراین، واقعاً نمی‌توانید از فلسفه دوری کنید، پس بهتر است این کار را به خوبی انجام دهیم.

ما می‌توانیم در شناسایی، بیان، و تحلیل و ارزیابی نظریه‌ها و اصول مختلف فلسفی صریح باشیم. بنابراین، به همین دلیل این کار را خواهیم کرد. استدلال‌های فلسفی از دیدگاه عملی اجتناب‌ناپذیرند.

ما در یک جامعه‌ی کثرت‌گرا زندگی می‌کنیم و افراد زیادی هستند که اصلاً علاقه‌ای به الهیات ندارند. آن‌ها فقط به استدلال‌های فلسفی گوش می‌دهند. بنابراین، اگر در مورد هر یک از این مسائل، موضعی داریم که از نظر کتاب مقدس و الهیاتی درست است، اگر می‌خواهیم در عرصه‌ی عمومی شنیده شویم، اگر می‌خواهیم استدلال‌ها، ایده‌ها و مواضع ما در جای دیگری از جامعه جدی گرفته شود، باید بتوانیم از آن‌ها به صورت فلسفی و همچنین الهیاتی دفاع کنیم.

سال‌های زیادی، وقتی در دانشگاه تیلور تدریس می‌کردم و مربی تیم مناظره مسائل اخلاقی‌مان بودم، که به آن تیم کاسه اخلاق می‌گویند و با دانشگاه‌هایی از سراسر کشور رقابت می‌کرد، استدلال‌هایمان را به صورت فلسفی مطرح می‌کردیم. مطمئناً ما در مورد بسیاری از مسائلی که مطرح کردیم، اعتقادات الهیاتی داریم، اما نمی‌توانید فقط وارد محیطی شوید که کثرت‌گرا است و برای دفاع از موضع خود، شروع به نقل قول از فصل‌ها و آیات کتاب مقدس کنید. در این صورت نادیده گرفته خواهید شد.

شما باید بتوانید استدلال‌های خود را به صورت فلسفی مطرح کنید. بنابراین، من فکر می‌کنم به عنوان مسیحیان در یک جامعه‌ی کثرت‌گرا، این کاری است که ما فقط باید انجام دهیم. ما باید از استدلال‌های فلسفی، موافقان و مخالفان، و همچنین دلایل کلامی و کتاب مقدسی خود برای دیدگاه‌هایی که از آنها حمایت می‌کنیم، آگاه باشیم.

بنابراین، ما در اینجا یک رویکرد دو مرحله‌ای را در پیش خواهیم گرفت، که با نوعی بررسی و ارزیابی نظریه‌های اخلاقی و مفاهیم فلسفی اصلی آغاز می‌شود و به نظریه‌هایی مانند فایده‌گرایی و اخلاق کانتی، اخلاق قرارداد اجتماعی و اخلاق فضیلت می‌پردازد. سپس، به چند سنت و اخلاق مهم کلامی، نظریه فرمان الهی و اخلاق قانون طبیعی نگاهی خواهیم انداخت. پس از انجام همه این کارها، آن مفاهیم نظری را در مورد مسائل اخلاقی خاص به کار خواهیم برد.

همزمان با بررسی نظریه‌ها و اصول اخلاقی اصلی، نقاط قوت و ضعف هر نظریه، نه تنها نظریه‌های فلسفی بلکه سنت‌های الهیاتی را نیز برجسته خواهیم کرد. هر کدام نقاط قوت و همچنین نقاط ضعف خود را دارند. من نوعی مدل التقاطی برای تفکر در مورد نظریه‌ها و اصول اخلاقی از دیدگاه مسیحی ارائه خواهیم داد.

من اتفاقاً معتقدم که همه یا حداقل بسیاری از سنت‌های فلسفی و اخلاقی اصلی، بینش‌های مهمی دارند که باید به آنها توجه کنیم. بنابراین، پس از پایان بررسی نظریه‌های اخلاقی، آن مدل التقاطی را توضیح خواهیم داد. سپس، مسائل اخلاقی اصلی را مورد بحث قرار خواهیم داد و استدلال‌های مهم فلسفی و کلامی را در هر دو طرف این مسائل ذکر خواهیم کرد.

و ما تعدادی از متون کتاب مقدس و استدلال‌های الهیاتی مربوط به هر موضوع را، دوباره، در هر دو طرف هر موضوع، بررسی خواهیم کرد. خوب، این برنامه است و امیدوارم از بحث ما لذت ببرید و چیزهای زیادی یاد بگیرید.

من دکتر جیمز اس. اشپیگل هستم در تدریس اخلاق مسیحی. این جلسه اول، مقدمه است.